

سرشناسه: آقاجانی، علیرضا، ۱۳۴۹ - Aghajani, Alireza

عنوان و نام پدیدآور: روش زندگی یا تقویم زندگی = Life style or Calendar of life - مولف: علیرضا آقاجانی

مشخصات نشر: تهران: علیرضا آقاجانی، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: رحلی (A4/21×29cm)، ۴۴ ص.: مصور (رنگی)، جدول (رنگی)، نمودار (رنگی)

فروست: سری کتابهای آموزشی الماس دانش

شابک: 978-600-04-9680-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: فارسی - انگلیسی

موضوع: خود راهبری

موضوع: Self-management (Psychology)

موضوع: برنامه ریزی

موضوع: Planning

موضوع: راه و رسم زندگی

موضوع: Conduct of life

موضوع: گاه شماری

موضوع: Chronology

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸۲۶۳۲/۲۶۵۹

رده بندی دیوئی: ۱۵۸/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۸۶۳۹۹

نام کتاب: روش زندگی یا تقویم زندگی

جلد:

مولف: علیرضا آقاجانی

مترجم:

تأیید و نمونه خوان:

ویرایشگر:

طراح گرافیک و نقاش:

حروف چین و صفحه آرا:

طراح جلد:

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ و سال انتشار: اول - ۱۳۹۶

چاپ و صحافی:

ناشر: علیرضا آقاجانی

آدرس و تلفن: خ سهروردی شمالی، ک زیبا، پ ۴۰، ط دوم، و ۵ - ۰۹۱۲۲۱۵۵۵۶۵

مرکز پخش:

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

موسسه الماس دانش

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به مولف است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن بصورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکسبرداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز کتبی ممنوع است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست مطالب

ردیف	عنوان	صفحات
۱	مقدمه	۵
۲	مدیریت زمان	۱۰
۳	مشخصات دارنده سائنما	۱۱
۴	خلاصه تاریخچه سیستم الماس دانش	۱۲
۵	نتیجه کار	۱۶
۶	خلاصه ای از مدیریت خودتان (Self Management)	۱۷
۷	۱۰ قانون کار گروهی	۲۰
۸	۵ تابلوی الماس دانش و تابلوی افتخارات	۲۱
۹	لیست مدیران، انشجویان و مشترکین نمونه الماس دانش	۲۲
۱۰	لیست مشتریان / مشترکین قدیمی	۲۳
۱۱	کاربردهای مهم کامپوتر در کار و زندگی (۳۷ مورد)	۲۳
۱۲	بیوگرافی کاری مخترع سیستم الماس دانش	۲۴
۱۳	بروشور الماس دانش	۲۴
۱۴	CD هدیه الماس دانش	۲۴
۱۵	پلاک الماس دانش	۲۴
۱۶	برگه تخفیف همکار	۲۴
۱۷	لیست سفارش کالا/خدمات	۲۴
۱۸	تاریخ سررسید چک های صادره و وارده	۲۴
۱۹	خلاصه دریافت ها و پرداخت ها	۲۴
۲۰	نمونه ای از معرفی خدمات پس از فروش	۲۴
۲۱	برگه یادداشت الماس دانش	۲۵
۲۲	فرم های در حین کار	۲۵
۲۳	شدت روشنائی مکان های مختلف (بر حسب لوکس)	۲۶
۲۴	جدول تبدیل مقیاس ها	۲۶
۲۵	نقشه تهران	۲۷
۲۶	نقشه خطوط راه آهن شهری تهران و حومه (مترو)	۲۸
۲۷	علائم اختصاری تجارت بین المللی	۲۹
۲۸	جدول مسافت بین شهرهای ایران	۲۹

۲۹	مسافت های هوایی جهان	۲۹
۲۹	جدول تطبیقی ساعات کشورها	۳۰
۲۹	اطلاعات کشورهای جهان	۳۱
۳۰	چک لیست وسائل مسافرت	۳۲
۳۱	اطلاعات مربوط به اتومبیل و چک لیست انواع سرویس ها	۳۳
۳۲	مراحل معاینه فنی خودرو	۳۴
۳۴	فهرست کدهای شبکه مخابراتی ایران	۳۵
۳۴	راهنمای تلفن/تلفن های ضروری	۳۶
۳۵	سالنما/سال جاری در یک نگاه (۲۰۱۹ - ۲۰۱۸ با توجه به محدوده ۱۳۹۷)	۳۷
۳۶	یادداشت های سالیانه جهت برنامه ریزی	۳۸
۳۷	تعطیلات رسمی سال در یک نگاه (۱۳۹۵ بصورت نمونه)	۳۹
۳۸	رویدادهای مهم سال (۱۳۹۵ بصورت نمونه)	۴۰
۴۰	جشن های ماهانه الناس دانش در یک نگاه	۴۱
۴۲	تقویم ماهانه (Calendar)	۴۲
۴۲	برگه کارهای روزانه (Daily plan)	۴۳

پرداخت. که این امر برای من انگیزه دیگری بود تا سال ها بعد به طراحی و ایجاد کلاس و کتاب روش افزایش درآمد، تغییر شغل و انتخاب شغل سوم بپردازم.

* من و پدر داخل فروشگاه در برخورد با مشتری اعتقاد داشتیم که: احترام به ارباب رجوع واجب است - مشتری ولی نعمت است - همیشه حق با مشتری است و... همچنین پدر در شغل تولیدی، سود را در خرید خوب و ارزان می دانست. مادر به برنامه ریزی و آینده نگری برای فرزندان اعتقاد داشت ولی پدر هیچ اعتقادی و دانشی در این زمینه نداشت چرا که خانواده را فقط بخشی از دارائی خودش و برای رسیدن به اهداف شخصی خودش می دانست! پس هرگونه که خودش می خواست با همسر و فرزندان رفتار می کرد و حتی آنها را کتک نیز می زد! و برای آنها هیچ شخصیت مستقلی قائل نبود! بعنوان مثال: در دوران کودکی من، زمانی که پدر نیاز به پول داشت به زور و با دعوای و مرافعه و کتک، قلکی که مادرم تقریباً ۵ سال بود (به امید آینده ای خوب برای من) پول در آن جمع می کرد را گرفت و شکست و پول هایش را برد!

این خاطرات و سال ها بعد مسائل موجود در جلسات مشاوره خانواده ای که برای دانشجویان می گذاشتم برای من انگیزه ای شد تا سیستم جامع الماس دانش را هر چه کاملتر طراحی و ایجاد کنم و نیز حمایت گر آسیب پذیرترین قشر این جامعه یعنی خانم ها باشم. بعنوان مثال: کار آفرینی با فضا سازی در محیطی دانشگاهی برای اعضاء خانواده الماس دانش. و البته واضح است که مثل همیشه برای جلوگیری از تلف شدن زمان، انرژی و آسیب دیدن اعضاء بحث سیاسی ممنوع می باشد و...

* بنابراین من همیشه باید روی پای خودم می ایستادم و فقط به خودم اتکاء می کردم و همچنین تلاش می کردم تا بعنوان فرزند ارشد از اعضاء خانواده حمایت کنم چون سرمایه ای نداشتم پس درس می خواندم و تلاش می کردم با تدریس کردن پولی بدست آورم. باید خودم پس انداز، مدیریت زمان، هدفگذاری و برنامه ریزی برای آینده را انجام می دادم و راه رسیدن به استقلال کامل را طی می کردم. در دوران دبیرستان آینده ای را بصورت مکتوب طراحی کردم و آن را همیشه جلوی چشمانم نگه می داشتم، سپس در جهت رسیدن به آن اهداف تلاش می کردم... بعدها که در سال ۱۳۸۰ اولین دفتر کار خودم را تاسیس کردم وقتی به چند نفر به اصطلاح خبر ۲ رو ریش سفید و مجرب در زندگی می گفتم که هزینه ها را با مقداری پول نقد، مقداری وام و مقداری پول قرضی پرداخته ام، هیچ نقطه اتکائی هم ندارم و این درحالیست که در آن منطقه شناخته شده هم نیستم و مشتری زیادی ندارم و با مدیریت پول، تبلیغ، تلاش، دانش و تجربه خودم و... باید حساب های بدهی را تسویه کنم از ۶ نفر، ۴ نفر می گفت: در این کار و سرمایه داری اشتباه کرده ای، یک نفر می گفت: ریسک بسیار زیادی کرده ای و احتمالاً نمی توانی موفق شوی و فقط یک نفر گفت: نه آینده نگری بزرگی را انجام داده ای و امیدوار است که با تلاش زیاد و مستمر بتوانم موفق شوم. که البته توانستم حدود ۵ سال تمام حسابهای بدهی خودم را تسویه کنم.

اما نکته مهم این بود که از همان ابتدای کار، یک منشور اخلاقی با ۳ سرفصل (داشتن صداقت و عدالت و تجاوز نکردن) را ساختم و پس از مدتی که موفق به تاسیس آموزشگاه الماس دانش (دانشی که همچون الماس زیبا، مفید و گرانبها است) شدم، دو عنوان دیگر یعنی: محبت و عشق - تلاش زیاد و مستمر که تکمیل کننده ۵ گوشه یک الماس فرضی است را در نظر گرفتم. چرا که موفقیت شما در هر فعالیتی که در زندگی شخصی و شغلی و خانواده خودتان انجام می دهید وابسته به ۳ عامل: ۱- منشور اخلاقی (روش کار) ۲- زمان ۳- انرژی است.

بنابراین می توان گفت که بطور معمول زندگی هر انسانی از ۳ بخش کلی به شرح زیر تشکیل شده است:

۱- بخش رسیدگی به جسم و روح خویشتن

۲- بخش رسیدگی به شغل و حرفه ای درآمدا

۳- بخش رسیدگی به محیط زیست، خانواده و اجتماع

پس همانگونه که ملاحظه می فرمائید شغل شما بخشی از زندگی شما را تشکیل می دهد و اهداف شما در هر ۳ بخش باید هم جهت و همسو با هم باشند و شما در بهترین حالت باید نه تنها در کار بلکه برای کل زندگیتان برنامه ریزی کنید و بنابراین نیازمند به یک تقویم برای کل زندگی (و نه فقط تقویمی برای کار) هستید.

*** خاطرات سری دوم (سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶):**

بخش ۱:

واقعا چگونه می توان به روش کار، طرزفکر و بیانی به شرح زیر برخورد، اعتراض و احقاق حق نمود؟ لطفاً به گفتگوی زیر که در داخل در ورودی ساختمان توسط چهار نفر صورت گرفته است توجه کنید:

نفر اول: خُب، بعداً می بینمتون.

نفر دوم: صبر کنید، آن دختر منشی شرکت ... را دیده اید؟ بیائید صیدش کنیم.

نفر اول: ولی تو که نامزد داری؟

نفر دوم: خُب این یکی هم دوست دختر داره. قرار نیست کسی حرفی بزنه که! قراره؟

نفر اول: تو چی؟ تو یکی که ازدواج کرده ای و زن داری! تو هم می خواهی بیائی؟

نفر دوم: خُب، قرار بر اینست که ازدواج کنیم که از ۷ دولت آزاد باشیم، اگر هم لو رفتیم تو انکار می کنی و می گوئی که خودت زن داری پس این جو رصه ها به تو نمی چسبه و... پس دیگر با تو کاری ندارند، نگران نباش...

*** واقعا با این آموزش ها و فرهنگ سازی های غلط نفر دوم یعنی آقای [] مدیر**

[] که همسایه ای بسیار مغرور، قدرتمند و کینه جو می باشد، باید چه کرد؟

*** آیا می دانید در جایی که خانم ها با افراد متاهل خیلی کم تر از آقایان مجرد می توانند اعتماد کنند باید چه کار کرد؟**

بخش ۲:

خوانندگان محترم برای دانستن این خاطره (ب لیل) شرح بسیار زیاد امنیتی خودش در حفظ خانواده ها) می توانند در کلاس روش زندگی یا تقویم زندگی شرکت فرمایند، تا همان نفر دوم ذکر شده در فوق به اتفاق دوستانش با گول زدن دختران و خانم ها (و یا حتی استفاده از ابزاری مانند شوهر، عرق تهدید بستگان و...) و برپائی یک شب مهمانی و پرونده سازی و ایجاد یک سابقه بد در جهت بهره کشی و باج گیری از آنها باعث نابودشدن خانواده ها نگردند و آمار خودکشی نیز افزایش نیابد!

بخش ۳:

و حتی زمانی دیگر وقتی ایشان با دوستانش تلاش کرد که یکی از شاگردان من را صید کند و آن خانم به پیش من پناه آورد و کل داستان را تعریف کرد و از من حمایت خواست. و بنابراین من چون حفظ امنیت و آرامش ایشان را وظیفه خود می دانستم با ارائه مشاوره و دستورات لازم ایشان را راهنمایی کردم. ولی ایشان از آن امر مطلع گردید و به دشمنی با من پرداخت. و بعد حتی از صحنه اعتراض به تجاوزات این گونه افراد نیز برعلیه من پرونده سازی کرد و در حقیقت برعلیه انسانیت ایستاد و... تا جایی که یکی از مامورین آمد و گفت که برعلیه من پرونده ای به چه ضخامت تشکیل داده است! و وقتی من پرسیدم که چگونه می توانم از ایشان شکایت کنم، آن مسئول آگاه گفت: هیچکاری نمی توانی بکنی زیرا ایشان ([]) در همه جا دوست و آشنا دارد!!! که متأسفانه حقیقت داشت!

*** می گویند همانگونه که آمارهای پنهانی نشان می دهند این گونه تجاوزها و جنایت ها خانواده های بسیاری را از هم پاشیده است و بچه های طلاق یا آواره (ترد شده) و یا فراری زیادی را بوجود آورده است و بار منفی زیادی بر جامعه تحمیل شده است.**

بنابراین واقعا چگونه می توان جلوی این گونه افراد قدرتمند و فاسد و مغرور را گرفت؟

چگونه می توان از حقوق خانم ها دفاع کرد؟

چگونه می توان از این خانم ها حمایت کرد بدون اینکه به خودمان تجاوز نشود و به زندگی خودمان صدمه ای وارد نشود؟
نکته: یکی از دلایل افزایش اغتشاش در جامعه نیز این گروه می باشد.

*** خاطرات سری سوم:**

بخش ۱:

آقای بخاطر نپرداختن مهریه به زندان افتاده بود و می گفت: پدرش از او خواسته بود تا با یکی از دختران فامیل ازدواج کند ولی او چون آن دختر را دوست نداشته و نیز نمی خواسته ازدواج فامیلی (به دلیل احتمال ناقص بدنی آمدن بچه و...) داشته باشد، پس قبول نکرده و دختر دیگری را دوست داشته است که با تشویق دوستان توسط چند جمله حکیمانه مانند اینکه: تو توکل کن بقیه اش درست می شود- آنکه دندان دهد، نان دهد- همیشه گفته اند: از تو حرکت از... برکت- مراقب باش، اگر سن شما بالا برود آنوقت دیگر نمی توانی با آن دختری که دوستش داری ازدواج کنی- اگر اصلا ازدواج نکنی، پیر پسر می میری ها!...

بنابراین پس از مدتی (بدون داشتن آمادگی و امکانات لازم و کافی) ازدواج می کند. ولی در عرض حدودا یک سال هر چه تلاش می کند، کار و زندگی آنطور که دیگران می گفتند پیش نمی رود، و نیز با دخالت بعضی ها بین او و همسرش اختلاف و فاصله می افتد، پس تصمیم به جدائی می گیرد. و بعد همسرش که می بیند آن تصویری که از آینده در ذهن داشته (که شاید شوهرش آن را برایش ساخته) حرایبیش نبوده است، مهریه اش را به اجرا می گذارد (و نیز شاید به دلیل نیاز مالی و... که البته مهریه حق مسلم خانم می باشد). و چون حرف پدرش را گوش نکرده و با فامیل ازدواج نکرده است پس از حمایت مالی خانواده نیز برخوردار نیست.

* به راستی در زمانی که پسر و دختری از برای نمی کنند تا صداقت و عدالتشان را از دست ندهند و مجبور نشوند برای تامین خانواده خودشان به حقوق دیگران تجاوز کنند و به کارهای خلاف کشیده شوند و شاید حتی به زندان بیافتند، چه می توان گفت؟

بخش ۲: (اوایل سال ۱۳۸۶)

روزی از آقای [] مدیر شرکت [] که یک فرد ثروتمند، قدرتمند، باج گیر و مشترک یک روزنامه سیاسی نیز بود پرسیده شد که مثلا چرا آن مرد را پویش کردی و به او تجاوز جنسی کردی؟ تو که ازدواج کرده ای و در حدود ۲ سال است که زن داری!!! تنها پاسخ ایشان این بود: دوست دارم!!! (یعنی بخاطر لذت بردن!). به این ترتیب ایشان حتما در گذشته نیز با همجنس خود ارتباط داشته است و در واقع مرد همجنس بازی است که در زیر پوشش، سپر و حفاظ ازدواج با یک خانم (یعنی یک جنس مخالف) همچنان به تجاوزهای جنسی ادامه می دهد! واقعا تا چه حد باید به حق و حقوق خانم ها اینگونه ظلم شود؟ و معلوم نیست تا به امروز چند نفر قربانی ایشان شده اند!

بخش ۳:

چندین ماه پیش بود که آقای همسایه ای که مدیر محترم شرکت... بود در مورد آقای ذکر شده در فوق می گفت: ایشان با اصرار از من می خواهد که صبح ها با هم عرق بخوریم و اگر قبول نکنم هنگام ورود به ساختمان دست من را می گیرد و می برد داخل شرکت خودش و... من نمی دانم آخر این مرتیکه چه از جان من می خواهد؟ صبح وقت کار کردن است و نه مشروب خوردن... و البته چند ماه بعد آن مدیر محترم به ناچار ملک خودش را فروخت و از آن ساختمان رفت!

*** خاطرات سری چهارم (سال...-۱۳۸۷):**

خلاصه، مفید و مختصر اینکه مسئول ساختمان خانم [] به همراه شوهرشان آقای [] و کلا خانواده هایشان چون جزء گروه سیاسی آقای حسین [] هستند، بنابراین سال هاست که در ساختمان به کارهای سیاسی می

بردارند و از پول شارژ ساختمان که از واحدها دریافت می کنند برای تبلیغات و کارهای خودشان و گروهشان هزینه می کنند
مثلا در سال چندین توپ پارچه رنگ خریدند و بخش کردند- بعد از مدتی نقاش آوردند و در ورودی ساختمان و حجر
پارکینگ را به رنگ سبز، رنگ آمیزی کردند و بین خودشان اعلام کردند که این ساختمان برای آن گروه است که من بارها به
آن خانم گفته ام که آن پول جزء بیت المال محسوب می شود و من راضی نیستم و اصلا من سیاسی نیستم و کارهای شما امنیت
و آرامش ساختمان را بهم می زند و بنابراین اشتباه است. ولی متأسفانه آنها شدیداً برخورد می کنند و این کارها را حق مسلم
خودشان می دانند! و ایجاد هرج و مرج را مساوی با رسیدن به حقوق خودشان تلقی می کنند!

در آن سال ها در روز ۲۲ بهمن ساعت حدوداً ۱۱/۳۰ شب شوهر ایشان در پنجره ای که رو به پاسیو باز می شود فریاد مرگ
بر... و اهانت به شخص و... را انجام داد. صبح فردای آن شب من به مسئول ساختمان خیلی محترمانه گفتم: مزاحمت برای
خواب ساکنین ساختمان و کلا کارهایی که می کنند چون به همسایگان زیان می رساند و امنیت و آرامش ساختمان را از بین
می برد پس کلاً غلط است، که ایشان هم به توهین پرداختند شعارهای شوهرشان را تکرار کردند. و بعد شوهر ایشان آمد و با
فحاشی و فحش ناموس و تهدید به مرگ و... پاسخ دادند. و چند نوبت تابلوی آموزشگاه و... را به سرقت بردند. بر روی
دیوارها فحش و اهانت بر علیه من نوشتند و... و بعد برخی از مستاجران که به ایشان اعتراض کردند، با بدگوئی از آنها در
پیش صاحب مللک شان، آنها را هم از ساختمان بیرون کردند و...

* مطلب بسیار جالب اینجا است که حدوداً از سال ۱۳۸۷ (آن موقع که من از کارهای ایشان خبری نداشتم) با خواهش
مسئول ساختمان، پارکینگ ملک من را به مدت یک سال اجاره کردند و بعد یک سال و نیم هم بصورت تصرف عدوانی در
اختیار گرفتند! و با خرید و فروش زمین دست دوم از طریق روزنامه همشهری و... در آمد زیادی بدست آوردند و این در
حالی است که می گفتند چون ملک خودشان (واحد ۱۱) پارکینگ ندارد پارکینگ را برای خود و مهمان هایشان می خواهند!
و البته هیچ اجاره ای نیز نپرداختند و روزی شوهر من را همراه با جوانی درشت هیکل در داخل راه پله های ساختمان من را
غافلگیر کرده و با سنگی بزرگ و مشت و لگد در راه پله ها می زدند و شوهرش می گفت: تو به چه حقی پول خودت را
و اجاره از ما خواستی! ما به چه کسی پول داده ایم که به بد بدهیم! و من را معلول کردند، و این درحالی است که این گروه
ادعا می کنند و ایمان دارند که شخص رای آنها را و به حق و حقیق آنها تجاوز کرده! و...

* این خلاصه کارهای ایشان با کسی است که همسایه می باشد، کسی که اصلاً سیاسی نیست و نمی خواهد باشد، کسی که یک
شخصیت علمی است، کسی که به فکر امنیت و آرامش شاگردان و خانواده های آنها است. کسی که به دنبال حمایت،
کارآفرینی و ایجاد در آمد برای آینده سازان این کشور است و...

* بنابراین این سؤال بسیار جدی مطرح می شود که: واقعاً اگر این سیاسی های خرابکار با این چنین خصوصیات، عقاید،
گفتار، پندار و کردار زشت، منفی و نفرت انگیز به قدرت بیشتری برسند، بر سر امنیت و آرامش ملت و کل کشور چه خواهد
آمد؟؟؟

* آیا کسی می داند از دست این سیاسی های خرابکار چگونه می توان در امان ماند؟ و حق و حقوق خود را گرفت؟

* نتیجه: با توجه به خاطرات فوق (که قطره ای است از دریائی از تحصیل، تدریس، تجربه، مدیریت، کارآفرینی، مشاوره،
تحقیق و...) سیستم جامع الماس دانش که برای حمایت از انسان ها است (یعنی کسانی که انسانیت دارند که یعنی صداقت و
عدالت و عدم تجاوز الگوی آنها است) و حاوی تمام راه کارها می باشد، یک اختراع بی نظیر است. بنابراین در دنیا هر
انسانی می تواند به راحتی به وجود این سیستم افتخار کند و بخواهد که عضوی از آن باشد، تا بتواند در کار، زندگی شخصی
و خانواده به رشد، خوشوقتی و کمال ایده آل برسد.

* قابل ذکر است که اینجانب در کنار طراحی و ایجاد کلاس ها و کتاب هائی به شرح زیر به طراحی، ایجاد و چاپ تقویم کاری جیبی و در سال های بعد تقویم تبلیغاتی دیواری پرداخته و کسب تجربه کردم و کلاس و کتاب تقویم زندگی در واقع سومین طرح ابتکاری اینجانب بعنوان یک نظریه پرداز یا صاحب نظر در علوم روانشناسی (عمومی، موفقیت و خانواده)، مدیریت (بازرگانی، آموزشی، کارآفرینی، مالی و خانواده)، کامپیوتر (سخت افزار و نرم افزار)، تربیت بدنی (ورزش)، زبان (انگلیسی)، پزشکی (بهداشت و تغذیه) و هنر (خلاقیت با هنر) می باشد.

۱- تبلیغات

۲- بهترین روش مذاکره

۳- مهندسی فروش

۴- مدیریت کاربردی

۵- مدیریت حرفه ای در کار و زندگی

۶- کارآفرینی کاربردی

۷- روش افزایش درآمد، تغییر شغل و انتخاب شغل سوم

۸- بازرگانی بدون کاغذ

۹- روش مطالعه، تندخوانی، خود حافظه

...

* با دسته بندی جامعه از نظر توانمندی در ایجاد درآمد... بررسی نیازهای اساسی و مهم در زندگی... در نظر گرفتن شکل های مختلف خانواده... و تحلیل مسائل مرحله به مرحله... این سؤال بسیار مهم مطرح می شود که:

چه روش زندگی کاربردی، مطلوب و رضایت بخشی می تواند وجود داشته باشد؟

البته همیشه باید ۳ شرط (۱) کمبود امکانات (۲) وجود محدودت ها (۳) نبود نیروی انسانی آگاه (به موارد فوق) را نیز در نظر داشت.

محتویات این کتاب بخش هائی از کلاس روش زندگی یا تقویم زندگی است که هدف آن پاسخ به این سؤال می باشد.

(۲-) مدیریت زمان: شما در هر شغلی نیاز به مدیریت زمان دارید و زمانی که از اهداف تقویم الماس دانش این است که در آغاز یک سال جدید کاری، مالی و زندگی بتوانید یک مدیریت زمان خوب و دقیق به روش علمی، کاربردی و ساده را اجرا کنید و همیشه ۵ عامل ایجاد انگیزه، اشتیاق و نشاط در کار و زندگی به شرح زیر را داشته باشید:

۱- احساس هیجان حوادث و اتفاقات خوب و خوش

۲- لمس عشق و محبت

۳- دیدن فیلم و نمایش روحیه بخش - شنیدن موسیقی زیبا و شورانگیز - گفتن سخنان دانش و شیرین

۴- چشیدن طعم شیرین موفقیت - پیش بینی و دیدن رشد و پیشرفت در کار و زندگی خودتان

۵- استشمام بوی عطر آگین و خوش نیکی به دیگران - دیدن و احساس زیبایی، شادی و خنده دیگران - رسیدن به احساس

زیبای طراوت و شادابی در خودتان